



### ● نفس

مولوی نفس را مانند قفلی می‌داند که بر دروازه‌ی قلب زده شده و با بودن آن، ایمان نمی‌تواند وارد قلب شود. وی راه ورود ایمان را غلبه بر هواهای نفسانی می‌داند.

تازه کن ایمان، نه از گفت زبان ای هوا را تازه کرده در نهران  
تا هوا تازه است ایمان تازه نیست کاین هوا جز قفل آن دروازه نیست

(دفتر اول، ابیات ۹-۱۰۷۸)

در جای دیگر با تشبیه نفس به بت، از آن به‌عنوان مادر بت‌ها یاد می‌کند.

مادر بت‌ها بت نفس شماست زان‌که آن بت مار و این بت‌زده‌است  
آهن و سنگ است نفس و بت شرار آن شرار از آب می‌گیرد قرار  
(همان، ابیات ۳-۷۷۲)

### ● تنازع عقل و نفس

ویژگی‌های عقل این است که سرانجام کارها را می‌بیند اما نفس آماره عاقبت‌بین نیست:

عاقبت‌بین است عقل از خاصیت نفس باشد کاو نبیند عاقبت (همان، دفتر دوم، بیت ۱۵۴۸)  
اتحاد دو عقل با یکدیگر سبب راهنمایی و روشنگری است و طی طریق را آسان می‌کند، اما اتحاد دو نفس با همدیگر باعث گمراهی و دشواری راه است:

عقل با عقل دگر دو تا شود نور افزون گشت و ره پیدا شود  
نفس با نفس دگر خندان شود ظلمت افزون گشت، ره پنهان شود (همان، ابیات ۷-۲۶)

### ● فلسفه و لزوم جهاد با نفس

از نظر مولانا همه‌ی جان‌ها در اصل آفرینش و قبل از آلوده شدن به حجاب‌های نفسانی دم مسیحایی دارند و می‌توانند مردگان را زنده کنند. اما شرط آن دست برداشتن از آلودگی‌ها و کنار زدن حجاب‌های ظاهری است و تا مبارزه با نفس صورت نگیرد به این مقصود نخواهد رسید.

جان‌ها در اصل خود عیسی دم است یک دمش زخم است و دیگر مرهم است  
گر حجاب از جان‌ها برخاستی گفت هر جانی مسیح آساستی (همان، دفتر اول، ابیات ۹-۱۵۹۸)

یا به قول حافظ شیرین سخن:

فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آن‌چه مسیحا می‌کرد (دیوان حافظ: ۹۷)

پس شرط رؤیت جمال محبوب، پاک شدن از هواهای نفسانی و اوصاف نکوهیده است و این دلیل اصلی و فلسفه‌ی مبارزه با نفس است:

هر که را هست از هوس‌ها جان پاک زود بیند حضرت و ایوان پاک

چون محمد پاک شد از نار و دود هر کجا رو کرد وجه الله بود (دفتر اول، ابیات ۷-۱۳۹۶)

## نفس و مرگ نفس در ربان

### چکیده

نویسنده با توجه به درس طوطی و بازرگان به شرح مرگ نفسانی که موضوع اصلی این داستان است، پرداخته و کوشیده است تا معنای درستی از آن را از زبان مولوی بیان کند.

### کدواژه‌ها

نفس، تنازع عقل و نفس، جهاد اکبر، ولادت دوم، قیامت صغری.

سید مهدی پرنیازی  
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی  
دبیر دبیرستان‌های منطقه‌ی البرز، کوزن

مولوی نفس را مانند قفلی می‌داند که بر دروازه‌ی قلب زده شده و با بودن آن، ایمان نمی‌تواند وارد قلب شود

### ● مرگ نفسانی یا جهاد اکبر

مولوی معتقد است تا انسان به اراده‌ی خود مرگ اختیاری را برنگزیند به حقیقت الهی دست نمی‌یابد:  
چون نمرودی گشت جان‌کنند دراز مات شو در صبح، ای شمع طراز  
تا نگشتند اختران ما نهان دان که پنهان است خورشید جهان  
(دفتر ششم، ابیات ۱-۷۳۰)

و در جای دیگر گوید:

بی‌حجابت باید آن‌ای ذُلباب مرگ را بگترین و برادر آن حجاب  
(همان، بیت، ۷۳۸)

سؤال‌ی در ذهن انسان پیش می‌آید که چرا جهاد با نفس جهاد اکبر است و جهاد با دشمنان ظاهری جهاد اصغر؟ با کمی دقت درمی‌یابیم که در مسیر زندگی ما هر لحظه دام و دانه‌های هوا و هوس فراوان یافت می‌شود و ما هر لحظه اسیر آن‌ها می‌شویم. پس مبارزه با آن‌ها دشوارتر است.

صد هزاران دام و دانه‌ست ای خدا ما چو مرغان حریص بی‌نوا  
دم به دم ما بسته‌ی دام نویم هر یکی گر باز و سیمرغی شویم  
(همان، ابیات ۵-۳۷۴)

### ● ولادت دوم

مولوی از موت ارادی و ترک عادات و شهوات و نفسانیات با عنوان «ولادت دوم» و «حیات دوم» یاد می‌کند و از نظر ایشان انسان دو نوع تولد دارد. یک نوع تولد از رحم مادر، که تولد صوری و ظاهری است، و نوع دوم تولد معنوی، که در گرو مرگ نفسانی است.

از ویژگی‌های عقل این است که سرانجام کارها را می‌بیند اما نفس اماره عاقبت بین نیست

وز جهان چون رحم بیرون روی از زمین در عرصه‌ی واسع شوی  
(دفتر اول، بیت ۳۱۸۱)

چون دوم بار آدمی زاده نبرد پای خود بر فرق علت‌ها نهاد  
(دفتر سوم، بیت ۳۵۷۶)

### ● قیامت صغری

در تعبیرات عرفا و مولوی «ولادت دوم» و تغییر مزاج انسان و حشر قبل از نشر، «قیامت صغری» نامیده می‌شود. «قیامت کبری» با مرگ طبیعی آغاز می‌شود و قیامت صغری در صورت

موت ارادی وجود دارد. (مولوی نامه، ج ۲، ص ۷۸۸ و ۷۸۷) مولانا بارها در کتاب ارزشمند مثنوی به قیامت صغری اشاره دارد. از جمله در دفتر ششم درباره‌ی پیامبر (ص) می‌فرماید: حضرت محمد (ص) که جنبه‌ی مادی و جسمانی خود را در ذات خداوند فانی کرده بود، پس قیامت‌های فراوانی در وجود او تجلی پیدا کرده بود.

پس محمد صد قیامت بود نقد زان که حل شد در فنا ی حل و عقد  
زاده‌ی ثانی است احمد در جهان صد قیامت بود او اندر عیان  
(دفتر ششم، بیت ۱-۷۵۰)

پس قیامت شو قیامت را ببین دیدن هر چیز را شرط است این  
تا نگریدی او ندانی اش تمام خواه آن انوار باشد یا ظلام  
(همان، بیت ۱-۷۵۶)

### ● پاداش مبارزه با نفس

مولوی در داستان صدر جهان بخارا، راز پاداش مرگ اختیاری را فاش می‌کند و رسیدن غنایم الهی از طرف خداوند به سالک را بهترین مزد وی می‌داند و از نظر او بهترین هنر نزد خداوند هنر مبارزه با نفس است:

سر مومتوا قبل موت این بود کز پس مردن غنیمت‌ها رسد  
غیر مردن هیچ فرهنگی دگر در نگیرد با خدا ای حیل‌گر  
(همان، ابیات ۸-۳۸۳۷)

### ● تأثیر پیر در غلبه بر هواس نفس

از نظر مولانا یکی از شرایط مهم غلبه بر هواس نفس، مصاحبت با اهل طلب و سالکان راه حق و کمک گرفتن از پیر و مرشد در طی طریق است.

هر که را بینی طلبکار ای پسر بار او شو، پیش او انداز سر  
کز جوار طالبان طالب شوی وز ظلال غالبان غالب شوی  
(دفتر سوم، ابیات ۷-۱۴۴۶)

۱. قرآن مجید، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، انتشارات خُر، ج ۱، ۲۰۱۳۷۸.  
۲. نهج البلاغه، ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی، ج ۶، انتشارات علمی فرهنگی، ۳۰۱۳۷۳.  
۳. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، ج ۷، انتشارات اطلاعات تهران، ۴۰۱۳۷۸.  
۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان، احادیث مثنوی، ج ۵، امیرکبیر، ۵۰۱۳۷۰.  
۵. احادیث و قصص مثنوی، ترجمه و تنظیم حسین داودی، ج ۱، امیرکبیر، ۶۰۱۳۷۶.  
۶. کاشانی، عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفیه، ترجمه‌ی محمدعلی مودود لاری، به کوشش گل‌بابا سعیدی، ج ۱، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی حوزه‌ی هنری، ۷۰۱۳۷۶.  
۷. کاشانی، عزالدین، مصباح‌الهدایه، تصحیح جلال‌الدین همایی، ج ۳، انتشارات هما، ۸۰۱۳۶۷.  
۸. مولوی، جلال‌الدین، کلیات دیوان شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۹، نشر طلوع، ۹۰۱۳۸۷.  
۹. مثنوی معنوی، ج ۱، انتشارات توس، ۱۰۰۱۳۷۵.  
۱۰. نیشابوری، فریدالدین عطار، تذکره‌الاولیاء، تصحیح محمد استعلامی، ج ۲، زوار، ۱۱۰۱۳۶۰.  
۱۱. هجویری، علی، کشف‌المحجوب، با مقدمه‌ی قاسم انصاری، ج ۲، کتابخانه‌ی طهوری، ۱۲۰۱۳۷۱.  
۱۲. همایی، جلال‌الدین، مولوی نامه، ج ۵، نشر آگاه، ۱۳۶۲.